

اقتصاد



چاله‌های جدید بیش پای کارگران

سقوط کارگران ساختمانی از چاله به چاله!

صفحه ۳

نتایج کاروان ایران در بازی‌های آسیایی هانگزو

۵۴ مدال

و کسب رتبه هفتم

۸

فروش امید به جای خودرو در بازار!

فروش امید به جای خودرو

در بازار!

۵

تهران از فرصت توافق گازی ترکمنستان-عراق استفاده می‌کند؟

شاه‌کلید

در دست ایران است

۴

اقتداری که آسان به دست نیامد

تسخیر آسمان با پهپادهای ایرانی

جمهوری اسلامی ایران در حوزه پهپادی در میان ۵ قدرت برتر جهان قرار دارد و پیشرفت زیادی را در این صنعت داشته است.

«پیش از این می‌گفتند ساخت تجهیزات موشکی و پهپادی که عکسپایش منتشر می‌شود فتوشاپ است؛ حالا می‌گویند که پهپادهای ایرانی خیلی خطرناک هستند! چرا به فلان کس می‌فروشید، به فلان کس می‌دهید. خوب، این‌ها کارهایی است که نخیهی ایرانی انجام داده؛ این‌ها برای کشور آبرو است.» این‌ها سخنان رهبر انقلاب در جمع نخبگان جوان و استعدادهای برتر علمی کشور است. ایشان در این سخنرانی ضمن صحبت درباره پیشرفت‌های کشور در صنایع مهم مانند صنایع دفاعی و همچنین ساخت پهپادها بر لزوم ادامه این راه تاکید کرده‌اند. غربی‌ها که در ابتدا چندان نمی‌خواستند به قدرت دفاعی ایران خصوصا توانایی‌های ارتش و سپاه اعتراف کنند، از دروغین بودن این توانایی گفتند، اما توانایی‌های کشورمان در سال‌های گذشته به حدی رسیده که آنها حالا کاملا عیان و بدون پنهان کاری، به توانایی جمهوری اسلامی ایران اعتراف می‌کنند. در دنیای واقعی، انواع مختلفی از پهپادها طراحی و تولید شده است که هر کدام برای انجام هدف خاصی طراحی شده‌اند. توانایی انجام چنین گستره‌ای از اهداف عملیاتی و همزمان حفظ ایده بدون سرشنین بدون یک پرند، چیزی است که پهپادها را منحصر بفرد ساخته است.

شرح در صفحه ۲

سخن نخست

ضرورت باز تعریف ساختار آموزش و پرورش

سخن راندن در باب اهمیت «آموزش و پرورش» و ارتباط آن با تربیت نسلی پویا، مسئولیت پذیر و کارآمد یکی از آسان‌ترین، کاربردی‌ترین و پرمصرف‌ترین رویکردها در نظام سخنوری جامعه است و کمتر نویسنده، محقق، پژوهشگر و سخنرانی را می‌یابید که در این باب قلم نزده باشد یا تحقیق و سخنرانی نکرده باشد. چرا اساساً حرف زدن و سخن گفتن به مراتب ارزان‌تر، آسان‌تر و کم هزینه‌تر از عمل کردن و به کار بستن است.



وحید حاج سعیدی

ادامه در صفحه ۲



بررسی ابعاد «طوفان الاقصی» از دیدگاه «اتحادملت»

طوفان پاسخ بده تجاوز است

صفحه ۷

یادداشت

مثلاً دیرنشینان، عملی ممنوع و مذموم بوده، و لذا قوانین جنگ مخصوص زمان ما نیست و مردم دنیا حتی وقتی که به این سطح از تمدن کنونی دست نیافته بودند، برای جنگیدن با دشمن خودشان، قوانینی داشتند.» تمام شواهد نشان می‌دهد که در جنگ اخیر مردم فلسطین با رژیم اشغالگر قدس، اصل عدم حمله به مردم بی دفاع و اماکن مسکونی نقض شده و افراد غیرنظامی از جمله برج مسکونی فلسطین، از سوی ارتش صهیونیستی مورد تهاجم و تجاوز قرار گرفته‌اند.

یادداشت

مشاقق دیدارم. مثل همیشه خیلی زود و بزرگوارانه پاسخ داد و نوشت ناخوش‌تر از آنم که به این زودی به تهران برگردم ولی کاش تلفنی حرف بزیم. و حرف زدیم. پای همان تلفن که صدای بیمار و خسته‌اش را برای آخرین بار شنیدم، به خودم قول دادم یادداشتی درباره‌اش بنویسم و برایش بفرستم. و نوشتم. و لعنت بر من که امروز و فردا کردم و ننوشتم.

ضرورت تفکیک جنگ از جنایت در تحولات فلسطین اشغالی



محسن پاک آیین
عملیات طوفان الاقصی توسط گروه‌های مقاومت و ملت مظلوم فلسطین برای مقابله با اشغال سرزمین خود آغاز شده و ضربات وارده بر رژیم اشغالگر، فصل جدیدی را در تاریخ مبارزات ضد صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی گشوده است.

تردیدی نیست که اقدام رزمندگان فلسطینی به اسرائیل در دفاع از حقوق مسلم و انکار ناپذیر خود و واکنش منطقی آنان نسبت به جنایت مکرر صهیونیست‌ها بوده و مورد حمایت آزادگان جهان و بخصوص جهان اسلام است. با افزایش تلفات رژیم صهیونیستی و ناتوانی در میدان جنگ، این رژیم مذبوحانه با هدف قراردادن مردم بی دفاع و مراکز غیر نظامی در غزه، بر اینپه جنایات خود می‌افزاید. بر اساس کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آنها مصوب ۱۹۷۷، غیرنظامیان و تمامی کسانی که در جنگ مشارکت ندارند نباید تحت هیچ شرایطی مورد هدف حمله قرار گرفته و باید تحت حمایت دولتها و مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد باشند. در واقع بر اساس موازین بین‌المللی مسأله جنگ با بمباران مردم و حمله به شهرهای بیدفاع از یک سنخ نیست؛

اخبار

محصولات کشاورزی شناسنامه‌دار می‌شوند



مجلس، وزارت جهاد کشاورزی را مکلف به شناسنامه‌دار کردن محصولات کشاورزی کرد.
نمایندگان در جلسه علنی نوبت صبح دیروز مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی جزئیات لایحه برنامه هفتم با ماده ۳۴ این لایحه با ۱۳۶ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند.
براساس ماده ۳۴ این لایحه به منظور افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی و جلوگیری از تعارض منافع، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جهاد کشاورزی مجازند برای کارآمد کردن نظارت بهداشتی و فنی دولت بر کارخانه‌ها و کارگاه‌های تهیه مواد خورده، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی موضوع «قانون مواد خورده‌ی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی» مصوب ۱۳۴۶ و «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خورده‌ی و آشامیدنی» مصوب ۱۳۳۴ و کشتارگاه‌ها و کارخانه‌های تولید و تهیه فرآورده‌های خام دامی موضوع «قانون سازمان دامپزشکی کشور» مصوب ۱۳۵۰ با اصلاحات بعدی و «قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید» مصوب ۱۳۸۷ نسبت به صدور مجوز تأسیس کانون‌های مسئولان فنی و بهداشتی اقدام نمایند. آیین‌نامه اجرایی این بند مبنی بر چگونگی تشکیل کانون‌ها، آموزش، تعرفه خدمات و چگونگی دریافت آن‌ها از واحدهای مذکور و نحوه فعالیت مسئولان فنی و بهداشتی و چگونگی اداره کانون‌ها، نظارت بر آن‌ها و مسئولیت آن‌ها در قبال وزارتخانه‌های ذیربط و سایر دستگاه‌های نظارتی ظرف ۶ ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های مذکور و با همکاری وزارت دادگستری و معاونت حقوقی رئیس‌جمهور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

همچنین نمایندگان در جریان بررسی ماده ۳۴ لایحه برنامه هفتم، ضمن اصلاح بند الحاقی ۱ این ماده، آن را با ۱۹۵ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۹ نماینده حاضر در صحن به تصویب رساندند.
براساس بند الحاقی ۱ ماده ۳۴ لایحه مذکور؛ شناسنامه‌دار کردن محصولات کشاورزی به منظور ایجاد قابلیت رهگیری و شناسایی مبدأ محصولات تولیدی و بهینه‌سازی مصرف نهاده‌ها در مبدأ، توسط وزارت جهاد کشاورزی با مشارکت اتاق اصناف کشاورزی و سازمان نظام مهندسی انجام می‌گیرد.
بند الحاقی ۲ این ماده با تصمیم محمداقبر قلیاباف جهت بررسی بیشتر به کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم ارجاع شد.
در این بند الحاقی ارجاع شده آمده است؛ کشت هرگونه محصول تراریخته اعم از تولید داخلی یا فراسرزمینی ممنوع است.

مردی که شبیه مقامات شمس بود



محمد کیاسالار
من شیفته «مقالات شمس» ام. نمی‌دانم چند بار آن را خوانده‌ام. خیلی زیاد. آنقدر که حسابش دستم نیست. آنقدر که بیسپارش را از برم. اما هنوز و هر بار که می‌خوانم، میخکوبم می‌کند. «خوب می‌گویم و خوش می‌گویم که از اندرون روشن و منورم...»

قدرت در کلمات نیست. کلمات همان کلمات‌اند اما بر زبان «شمس» که جاری می‌شوند، می‌شوند یک پارچه آتش. آدم‌ها به کلمات، شخصیت می‌دهند. من به این اعتقاد دارم. او به کلمات، شخصیت می‌داد. او برای من شبیه‌ترین بود به «مقالات شمس». هماغه ساد اما عمیق، صمیمی اما صادق، صریح اما مشفق، دیرپاب اما پرغز، رفیق اما راهبر.
استاد گرانقدرم، دکتر سیدمحمود طباطبایی، استاد روان‌پزشکی بود. استاد تمام. دبیر بورد روان‌پزشکی. عضو بورد روان‌شناسی بالینی. پژوهشگر تاریخ پزشکی و علوم دینی. برنده جایزه کتاب سال. استاد برگزیده اینچا و آنچا. با چندین لقب و عنوان دیگر که از همه آنها بزرگ‌تر بود. بزرگ‌تر از هر جایزه‌ای که به او دادند و ندادند. و بیشتر و بیشتر از همه اینها استاد اخلاق بود. از آن نوادری که حتی وقتی درس نمی‌دهند، درس می‌دهند. که

درگیری در میدان و جبهه را «جنگ» می‌نامند اما تهاجم به مردمان بیگناه، «جنایت» تلقی می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی موظف هستند بین جنگ و جنایت تفکیک قائل شده و با محکوم کردن جنایت، از نقض مقررات بین‌المللی جلوگیری کنند.
گفتمان «تفکیک جنگ از جنایت» در دوره جنگ تحمیلی و به دلیل حمله صدام به مناطق و سرزمین غیر نظامی از سوی آیت الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت ایران نیز مطرح شد. در آن زمان ایشان در دیدار با هیئت‌های خارجی، «جنگ» را درگیری نظامی در میدان و حمله به مردم و اماکن غیرنظامی را «جنایت» نامیده و می‌خواستند که بین جنگ و جنایت، تفکیک قائل شوند. ایشان در مصاحبه با مجله‌ی عربی زبان العالم-۱۱/۱۱/۱۳۶۵- در همین رابطه گفتند:
«جنگ هم مثل موضوعات عام دیگر برای خودش قوانینی دارد و همیشه دو طرف جنگ که دشمن یکدیگر هستند، خود را موظف شمرده‌اند به این قوانین عمل کنند، حتی در جنگ‌های قدیمی هم همین طور بوده است.
یعنی وقتی دو لشکر با هم می‌جنگیدند، خود را موظف میدانستند هر یک دیگری را از میدان خارج کند و اگر لازم شد نیروهای طرف مقابل را به قتل برسانند اما همه جا و همیشه و در نزد اغلب انسانها، در آوردن چشم یا بریدن بینی و گوش کسی که کشته شده و یا کشتن زن‌ها و کودکان و همچنین کشتن پزشکان و

رفتارش راست‌تر و روشن‌تر از گفتارش به هدف می‌زد و بر دل می‌نشست.
اگر او نبود، من هرگز استادی ندیده بودم که در آن سن‌وسال و با آن مقام و معرفت علمی و اخلاقی، تا این حد به ساده‌زیستی‌اش، به گوشه‌ی قدیمی و غیرهوشمندش، به کارت منزلتش، به ویزیت‌های رایگان‌اش، به رفت‌وآمد هر روزه‌اش با اتوبوس میاهات کند و برای پنج دقیقه دیر رسیدن به کلاس درس از دانشجویش معذرت بخواهد که وقتش را ضایع کرده است.
اگر او نبود، من هرگز استادی ندیده بودم که وقتی از بیماران دردمند و مستمندش یاد می‌کند، بغضش در کلماتش بغلند و لحن و لغاتش را متلاطم کند. که روز معلم را به شاگردش تبریک بگوید. که گفتگوی علمی با دانشجویش را چنان متواضعانه مدیریت کند که گویی اوست که می‌آموزد.
یک بار یکی از دوستانم که مدت‌ها با مشکلی دست‌به‌گریبان بود و من مطلع بودم، از من خواست برای مشاوره اعصاب‌وروان از استاد وقت بگیرم. وقت گرفتم و ویزیت شد. همان روز استاد را دیدم و نظرش را درباره درد و درمان دوستم جویا شدم. بی‌محبا گفت: «اسر می‌دهم و سیر نمی‌دهم». نگاه متعجبم را که دید، متیسر شد: «محتوای گفتگوی من و بیمارم رازی است که هرگز از سمت من فاش نمی‌شود.» و این چند کلمه چنان در من گرفت که تأثیرش از چند ساعت کلاس و کنفرانس درباره اسرار پزشکی بیشتر بود.
در آخرین ایمیلی که برایش فرستادم، نوشتم که دلنتگ و

درنیابد حال پخته، هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام